

● غلام فدکی

● دغدغه های محدث قمی

از گسترش خرافه و تحریف

چکیده: در این مقال، جایگاه شیخ عباس قمی، نموده می شود، تا معیار بودن سخن و نظر او برای خواننده، به درستی جا بیفتد. آن گاه دیدگاه این محدث بزرگ، درباره خرافه و ریشه های آن، یک یک برشمرد می شود و هشدارها و دغدغه های وی، درباره پیامدهای ویران گرانه خرافه ها، که همانا دروغ بر خدا و پیامبر (ص) و رهن دین و مذهب است، نمایانده می شود. و این که چه شد این سان خرافه ها گسترش یافتند، زیارت نامه سازی، دخل و تصرف در ادعیه، غلو و بزرگ نمایی، مزارسازی، تحریف تاریخ و جعل حدیث و... رواج یافت، از زبان این محدث دقیق اندیش، آگاه و باتجربه روایت می کند که: نادانی، تسامح در ادله سنن، پیشبرد حق با هر وسیله، دنیاطلبی و سکوت و بی تفاوتی عالمان، واعظان و نویسندگان بی تعهد و ساده اندیش، مهم ترین عامل این همه نابسامانی در طول تاریخ بوده است.

کلید واژگان: خرافه، تحریف، دروغ بر خدا و پیامبر، رهن دین، ادعیه، امام زمان، عاشورا.

شیخ عباس قمی، سالها از محضر استادان بزرگ حوزه: میرزا محمد ارباب میرزا، محمدتقی شیرازی، سیدحسن صدر، سیدابوالحسن نقوی و میرزا حسین نوری بهره‌های علمی گرفت و در علوم قرآن، حدیث، تاریخ و تراجم آثاری مفید و ماندگاری نگاشت.^۱ کتابهای این حدیث‌شناس، که به پاکبازی و صفای باطن شهره بود، از استقبال بسیار خوب مردم و اهل علم و تحقیق برخوردار شد و در کانون توجه‌ها قرار گرفت.

توجه به شرائط زمانی تلاشهای علمی شیخ عباس قمی، ما را به اهمیت کار وی آگاه می‌سازد. در آستانه به قدرت رسیدن رضاخان خطر بودن دین و دیانت از هر سو، میان‌داری روشنفکران مخالف دین و روحانیت، تلاش گسترده آنان در رواج الحاد و اندیشه‌های غرب‌گرایانه، بهره‌وری از فقر و فاقه مردم در راستای هدفهای شوم بلوک شرق و... محدث قمی را واداشت که در دو سنگر خطابه و قلم، به احیای میراث و فرهنگ اسلامی روی آورد و آموزه‌های راهگشا و زندگی‌بخش مکتب اهل بیت را با زبان روشن فارسی در دسترس همگان قرار دهد و با گزارش از کارنامه عالمان روشن ضمیر، مردم را به گذشته تابناک و آسوده‌های راه آشنا سازد.

او در سخنرانیهای روشنگرانه خود، مردم را نسبت به تلاش دشمنان غربی و شرقی برای چیرگی بر فرهنگ و سرزمین‌شان، هشدار می‌داد.

پس از ورود شوستر برای سرپرستی امور مالی خزانه ایران، در سالهای پس از مشروطه و استقبال گرم بهائیان از وی، و تلاشهای گسترده و روزافزون آمریکاییان در جای جای ایران اسلامی، از جمله در مشهد، از سوی تشکیلات مخوف «کمیته مجازات»^۲ به جرم افشاگری علیه آمریکاییان تهدید به مرگ شد:

آقای آقا شیخ عباس قمی... شنیده‌ایم که در منبر از امریکاییها حرف بد می‌زنید. اگر شنیده شد که دو مرتبه از این گونه

مزخرفات بگوئید و تکذیب نکنید، همین دوشنبه به ضرب گلوله شکمت را... پاره پوره خواهیم کرد.^۳

از زاویه دیگر، محدث قمی، عالمی بود آزاده و بانصاف، حقیقت را از هر کس پذیرا بود. زبان طعن و عیب جویی نداشت. و تلاشها و کارهای درخشان دیگران را کتمان نمی‌کرد که با نگاهی به نوشته‌های او، از جمله الکنی واللقاب، هدیه الاحباب، فوائد الرضویه و... می‌توان به این مطلب پی برد. وی در مقام نقد سخنان بزرگان، همه جوانب را رعایت می‌کند و سخت محتاطانه گام برمی‌دارد و گاه با رمز ابراز نظر می‌کند، تا تنها خواص آن را دریابند.^۴

محدث قمی، در واکنش به آنچه مؤلف «روضات الجنات» درباره ابن درید نوشته بود، می‌نویسد:

«بر فرض که ابن درید سنی باشد، لکن تعبیر کردن جناب شما از او به... خارج از قانون ادب و بیرون از رویه تاریخ نگاری است و شایسته است که هر که کتابی می‌نویسد، به استحکام و اتقان او پردازد و کلمات زشت و... در آن ذکر ننماید و چنان نویسد که موافق و مخالف، به خواندن آن رغبت نمایند، مانند تألیفات سیدالمتکلمین... میرحامد حسین هندی... بلکه هرگاه دو عالم با هم مهاجاتی پیدا کردند و بعضی کلمات برای هم گفتند یا نوشتند، آن را هم نقل نکند.»^۵

محدث قمی، در شرح حال امین امیرآبادی، پس از ستایش از داوری شایسته صاحب روضات درباره ابوالهتاهیه از شاعران معروف، بر وی خرده می‌گیرد که چرا این سیرت نیک را همه جا پیش نگرفته و گاه راه و رسم تاریخ نگاری را از یاد می‌برد و درباره مخالفان زبان تند و تیز و ناخوش آیند را به کار می‌گیرد:

صاحب روضات، که رحمت خدا بر او باد، در شرح صاحب ترجمه و همانند او، این راه و رسم را از یاد برده است و حال آن که به کرمی نشانیدن حقیقت در موضوعات مورد گفت و گو، با سخنان ناخوش آیند، میسر نمی شود و نیز شیوه کتابهای تراجم و شرح احوال بر این استوار نیست. آیا نمی نگری که شیخ حر عاملی محدث، با آن که از استوانه های محدثین است، در کتاب امل الامل، در شرح حال افراد و مدح و ثنا تفاوتی میان مجتهدین و اخباریان و محدثین و اصولیون نگذاشته است و در ترجمه همه افراد و ویژگیهای آنان، دانش و رفتار و پارسائی و تقوای آنان را بر شمرده است. ۶۷

شیخ عباس قمی در حدیث و تاریخ، شاگرد محدث نوری و از وی در دانش حدیث اجازه اجتهاد دریافت کرده بود. ۷

محدث قمی، کوشش می کرد احادیث منزّه و بدون پیرایه را گرد آورد و آنها را به دور از دروغ و پیرایه، در اختیار علاقه مندان قرار بدهد.

از دغدغه های وی، راهیابی و نفوذ خرافه و تحریف به مراثی، ادعیه و زیارت نامه ها بود.

شده شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

می دید روز به روز بر شمار کتابهای دعا و زیارت افزوده می شود و کتابهای پر محتوا و مستند از صحنه خارج و به جای آنها دعا های بی مدرک به مسجدها و منزلها راه می یابند و در دسترس مؤمنان قرار می گیرند. او از یک سو می دید که زیارت نامه ها به دلخواه افراد و مرثیه ها به دلخواه مرثیه سرایان کم و زیاد می گردند و هر روز مراثی و روضه های خود ساخته در عراق، ایران، هند و... به بازار سرازیر می شوند؛ و از دیگر سوی می دید عالمان دین در برابر این بدعت زشت، زبان به اعتراض نمی گشایند، از این روی به تلاش

برخاست و همت گمارد و در کتابهای گوناگون خود، نسبت به رواج این گونه زیارت‌نامه‌ها و مرثیه‌ها و دعاها هشدار داد. در لابه‌لای نوشته‌های خود، روایتهای مجعول و جاعلین آنها را شناساند و کرامت‌سازان را رو کرد و یادآور شد: شماری از راویان به دلخواه درباره پیامبران اولی‌العزم و اولیاء کرامتهایی را جعل کرده‌اند که عقل قطع پیدا می‌کند که همگی مجعول و خرافه است:

«از آن جمله اخباری است که این عده در وعظ و زهد جعل کرده و در آن باره کارها و حالات خارق‌العاده‌ای و کراماتی که پیغمبران اولی‌العزم نداشته‌اند، نقل کرده‌اند. این قبیل اخبار، طوری است که عقل قطع پیدا می‌کند که همگی مجعول است، هر چند کرامات اولیای خدا فی نفسه ممکن است.»^۸

محدث قمی، به نقل از استاد خود محدث نوری، یادآور شده که روضه‌ها و زیارت‌نامه‌های دروغ به نامهای رنگارنگ چاپ و منتشر می‌شود و کسی را کنش نشان نمی‌دهد.

وی به مناسبت ذکر زیارت وارث در کتاب مفاتیح‌الجنان، یادآور شده: افراد غیرمتعهد به سلیقه و خواهش دل، جمله‌هایی بر زیارت وارث افزوده‌اند. او، پس از نقد این تحریف آشکار، گوشه‌ای از دغدغه‌های استادش محدث نوری را در بی‌محافظت ماندن مرزهای متون و فرهنگ دینی را یادآور شده و پس از آن افزوده است:

«این فقیر گوید: خوب تأمل کن در فرمایش این عالم جلیل که مطلع است بر مذاق شرع مقدس. چگونه این مطلب همتی عظیم و عقده بزرگ در دل او گردیده و چون می‌داند مفاسد این کار را، برخلاف آنان که از علوم اهل بیت (ع) محروم و بی‌بهره ماندند و به دانستن ضغنی از اصطلاحات و الفاظ اکتفا کردند که امثال این

مطالب را چیزی ندانند، بلکه تصحیح و تصویب نموده و عمل بر وفق آن نمایند. لاجرم کار به جایی رسد که کتاب مصباح المتهجد^۹ و اقبال و معجم الدعوات و جمال الاسبوع و مصباح الزائر^{۱۰} و بلد الامین و جنة الواقیه^{۱۱} و مفتاح الفلاح و مقیاس و ربیع الاسبوع و تحفه و زاد المعاد^{۱۲} و امثال این کتب، متروک و مهجور شود و این مجموعه های احمقانه شایع شود که در «دعای مجیره» که از دعاهای معتبره مرویه است، در هشتاد موضع آن کلمه بَعْفُوكَ زیاد کنند و کسی انکار نکند و در دعای جوشن، که مشتمل بر صد فصل است، برای هر فصلی یک خاصیتی وضع کنند و با بودن این همه زیارات مأثوره، زیارت مفجعه جعل کنند و با بودن این همه دعاهای معتبره مرویه با مضامین عالیه و کلمات فصیحه بلیغه، دعایی بی ربط در کمال برودت جعل نمایند و نام او را دعای خبی گذارند و از کنگره عرش آن را نازل نمایند و چندان فضیلت برای او وضع نمایند که انسان را متحیر و سراسیمه نماید. از جمله آن که العیاذ باللّٰه، جبرئیل به حضرت رسول (ص) از جانب حق سبحانه و تعالی گفته باشد که هر بنده ای که این دعا را با خود دارد، او را عذاب نکند، اگر چه مستوجب جهنم باشد و عمر خود را به معصیت گذرانده باشد و مرا هیچ وقت سجده نکرده باشد. من آن بنده را ثواب هفتاد هزار پیغمبر بدهم و ثواب هفتاد هزار زاهد و ثواب هفتاد هزار شهید بدهم و ثواب هفتاد هزار نماز گزار بدهم و ثواب هفتاد هزار برهنه که پوشانیده باشد بدهم و ثواب هفتاد هزار گرمه که سیر کرده باشد بدهم و ثواب به عدد ریگهای بیابانها بدهم و ثواب هفتاد

هزار بقعه زمین بدهم و ثواب مهیبر نبوت رسالت پناه بدهم و ثواب عیسی روح الله و ابراهیم خلیل الله بدهم و ثواب اسماعیل ذبیح الله و موسی کلیم الله و یعقوب نبی الله و آدم صفی الله و جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل و فرشتگان بدهم. یا محمد! هر که این دعای بزرگوار حبی را بخواند یا با خود دارد پیامرزم او را و شرم دارم که عذاب کنم. الخ.

و شایسته است که انسان از شنیدن اینها عوض خنده، گریه کند. ^{۱۳۸}

محدث قمی در کتاب تحفة الزائرین نیز از زیارت سازی افراد بی سواد و بی بصیرت شکوه سر می دهد و با عبارتهای گوناگون نگرانی عمیق خود را ابراز می دارد.

و یادآور می شود: با آن که درباره امام حسین (ع) زیاراتی مستند موجود است و شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه، صحیح ترین زیارتها را گرد آورده و تأکید کرده که این زیارتها کفایت است و نیازی به دیگر زیارتها نیست، باز عده ای از روضه خوانان عوام، دست به زیارت سازی زده و به نام زیارت مفجعه در این میراث بزرگ دست برده اند.

«اما عوام کالانعام را، که نه خود بصیرتی دارند و نه از بصیری پرسش می کنند، شیطان از فیض غالب زیارات مأثوره و ثواب الفاظ مرویه محروم کرده، زیارت بانفته آخوند بی خبر، یا روضه خوان بی سواد که اسم آن را زیارت مفجعه گذاشته به دست ایشان داده، به همان مشغول و مشغوف و از آب زلال گوارا به سرابی قانع و از طلای احمر بی غش، به سفالی راضی. از آن جعلال بی سواد کسی نپرسیده که در تمام زیارات مأثوره از ائمه طاهرین، هرگز اسمی از خواهران و دختران مکرمات آن حضرت

برده نشد و مناسبتی هم ندارد، سبب این فضولی چیست؟ کسی
 نپرسیده که این «عاتکه» و یا «عاتقه» و «صفیه» کیانند؟ دختر کی،
 زن کی، در کدام کتاب مذکورند؟ و به چه مناسبت سلام بر ایشان
 کردی و هكذا والحق این زیارت و دعای بافته عارف سنی الهی
 باخص صفاتک. الخ. بعد از آن چون جمع شود مقصد شیطان،
 که محروم نمودن زوار از فیض این حرم و قبه سامیه است، به
 دست آمده. و بر بعض عوام چون حقیقت حال منکشف شده عذر
 آوردند که در این زیارت بعضی فقرات جانسوز و کلمات
 آتش افروز است که مناسب حال زوار و سبب تکسر قلب و گریستن
 در این بیت الاحزان است که غایت آمال و آرزوی ایشان است و این
 عذر با آن کار تباه در یک قطار است؛ زیرا که برای چنین اشخاص
 که راغب تذکر مصائب آن حضرت و گریستن در آن حرم شریف اند
 نیز، دستور العمل دادند و زیارت مشجیه مبکیه که بهتر از شنیدن
 خواندن چندین روضه خوان است مقرر داشتند. ۱۴

پیامدهای ویران گر خرافه

محدث قمی، بارها در نوشته هایش، به پیامدهای ناگوار خرافه و آثار ویران گر
 آن بر دیانت و فرهنگ دینی اشاره می کند و خوانندگان را به نفوذ شکننده
 تحریف متوجه می سازد و به عالمان دین در برابر آسیبهای آن هشدار می دهد،
 از جمله:

۱. دروغ بر خدا و پیامبر: سخنان بی منطق و وهم آلود دروغ و دروغ از گناهان
 کبیره و حرام است در آیات و روایات ما را از آن پرهیز داده اند، چه رسد به
 بستن سخنان دروغ و بی ریشه به خدا و رسول خدا که گناه آن بیش تر و مجازات

آن سنگین‌تر است و موجب کفاره و بطلان روزه نیز هست:

«کذب را از گناهان کبیره شمرده‌اند، چه مفسده بر او مترتب شود و چه نشود. این است حال کذب بی مفسده و اگر مفسده بر او مترتب بشود، خصوصاً اگر دینی باشد و سبب ضعف و عقیده مسلمانی یا افتراقی به امامی یا توهین قدر اهل بیت شود، البته صد مرتبه بدتر و گناهش بیش‌تر است و اگر کذب بر خدا و رسول و ائمه باشد که حالش معلوم است، مبطل روزه و موجب کفاره است.»^{۱۵}

۲. وهن دین و مذهب: نسبت دادن مطالب خرافی و دروغ به دین و آنها را از آداب و رسوم و آموزه‌های دینی پنداشتن، سبب وهن دین می‌شود و کسانی که می‌پندارند با ساختن و پرداختن مطالب و صحنه‌های دروغین و خرافی جایگاه دین را در اذهان بالا می‌برند و مردم را به رفتار دینی سوق می‌دهند، سخت در اشتباه هستند و چه بسا ندانسته، سبب سست شدن باور به دین می‌شوند.

مطالب درست با حقائق دینی، وهن به دین و مذهب است و جایگاه اسلام را در منظر دیگران حقیر می‌سازد.

گاه سخن و مطلب حق در نظر دیگران قابل هضم نیست، چه رسد به مطالب وهن‌آلود. بخصوص که با ارتباطات گسترده امروز و گسترش شعائر حسینی به کوچه و خیابان، باید بیش از گذشته به این موضوع توجه کرد، تا مبدا مطالب غیر واقعی و موهوم در آن راه یابد.

پس از این یادآوری مهم و هشدار، از شیخ جعفر شوشتری در این باره مرعظه‌ای بلیغ نقل می‌کند:

«لازم است متدینین از مذهب اثنی عشریه آگاه شوند که در عصر

ما، شعاری در مذهب شیعه، شایع تر از مراسم تعزیه داری و گریستن بر مصائب مظلومان نیست. پس شایسته باشد که حدرد این عمل به طوری مضبوط شود که مطابق قواعد شرع اقدس باشد و مورد طعن و اعتراض مذاهب خارج نباشد و چون در این زمان، معاشرت و مخالطت کامله است میان این مذهب با مذاهب دیگر و واقعه کربلا و ابتلای حضرت سیدالشهداء، در اکثر تواریخ ملل، مذکور و مضبوط است، شایسته باشد که در مجالس تعزیه داری از امور مبتدعه و منهیات شریعت مقدسه احتراز تمام نمایند مانند نواختن سازها و خوانندگیهای طرب آمیز و چه بسا باشد که مجالس لهو و لعب به پرداختگی بعضی از مجالس تعزیه داری نباشد. ^{۱۶۸}

ریشه رواج خرافات در تبلیغات دینی

محدث قمی، در نوشته های گوناگون به ریشه یابی رواج خرافه در نقل حدیث و مرآئی امام حسین پرداخته و از عالمان دین خواسته است که با شناختن ریشه ها و عوامل خرافه گرایی با آن مبارزه کنند. ^{۱۶۹}

الف. نادانی: به نظر وی، ریشه بسیاری از خرافه گسترها جهالت است. کسانی که با اصول دین و دیانت آشنایی ندارند، می پندارند می توان در دین تصرف کرد و برای کمال آن، چیزی از آن کم کرد و یا بر آن افزود و حال آن که قرآن از باور و فتوای بدون علم نهی کرده است و نسبت به دخل و تصرف در حلالها و حرامها هشدار داده است.

نادانی و ناآگاهی روضه خوانان و شماری از مبلغان از متون دینی و ناآگاهی آنان نسبت به درستی و نادرستی متن مرثیه و روایتی، کار را دشوار ساخته و به

گسترش دامنه خرافه‌ها و تحریفها انجامیده است. اینان به خاطر ناآشنایی با متون و ارزیابی و نقد و بررسیهای عالمان و محققان، هر چیزی را که می‌بینند درست می‌انگارند و آن را به رسول خدا(ص) و ائمه اطهار نسبت می‌دهند.^{۱۷}

محدث قمی ریشه بسیاری از کارهای خرافی و بدعت‌گونه زوار را در زیارتگاه‌ها، مانند برداشتن خاک برای تبرک از آن مکانهای مقدس، که از سوی ائمه هیچ‌گونه سفارشی درباره آن نشده و اصلی و ریشه‌ای در متون دینی ندارد، در نادانی مردم می‌داند که با آگاه شدن مردم، خود به خود این‌گونه گرفتاریها برطرف خواهد شد:

«تمام این حرکات بی‌اصل و بی‌پایه و خلاف ادب و احترام، بلکه در بعضی مواضع شبهه حرمت دارد و لکن درد مزمن جهل را دوائی جز پرسش از عالم، یا تنبیه و نهی عالم نیست و هر دو از میان رفته.»^{۱۸}

ب. تسامح در ادله سنن: از دیگر عوامل تحریف در روایات و گرایش به خرافه، تسامح در ادله سنن است. شماری گمان می‌برند چون مرثیه‌سرایی و نقل فضائل از مستحبات و در نزد شارع مقدس، پسندیده است، پس رواست هر مطلبی در قالب مرثیه و نقل فضائل ارائه گردد و هر خبر دروغ را که در آن از مناقب و فضائل رسول خدا(ص) و فاطمه و ائمه اطهار(ع) سخن می‌رود، می‌توان در هر محفل و مجلسی گفت و یا بر منبع غیر موثق اعتماد کرد.

محدث قمی یادآور شده است شماری برای این کار خود، به قاعده تسامح در ادله سنن تمسک می‌جویند:

«جمله‌ای از ذاکرین مصائب، باک از اختراع وقایع مبکیه ندارند. بسا باشد که اختراع سخنی کند و خود را مشمول حدیث من ابکی فله العجه می‌داند و به طول زمان همان حرف دروغ شیوعی در

تالیفات جدیده پیدا کند و هرگاه محدث مطلع امین منع از آن اکاذیب نماید، نسبت به کتابی مطبوع یا به کلامی مسوع دهد، یا تسک به قاعده تسامح در ادله سنن، و دست آویز نقل های ضعیف قرار دهد... مانند جمله وقایع معروفه که در کتب جدیده مضبوط و نزد اهل علم و حدیث عین و اثری از آن وقایع نیست، مانند عروسی قاسم در کربلا که در کتاب روضه الشهداء تألیف فاضل کاشفی نقل شده، شیخ طریحی که از اجلاء علما و معتمدین است از او نقل کرده است. ۱۹۰

ج. پیشبرد حق با هر وسیله: از گذشته دور در میان واعظان و دعاة فرق گوناگون اسلامی کسانی بر این گمان بوده اند که برای پیشبرد راه حق، از هر راهی می توان رفت، گرچه آن ابزار و وسائل مشروع نباشند. محدث قمی، پس از شرحی از تحریف گریهای این افراد در تحلیل آن نوشته است:

«غرضم از ذکر این مطلب در این جا دو چیز بود: یکی آن که این تصرفاتی را که این شخص کرده به سلیقه خود، این را کمال دانسته و خلافتش را ناقص فرض کرده، و حال آن که همین چیزی که او کمال دانسته، باعث نقصان شده. پس از این جا قیاس کنیم که چیزهایی که ما از روی جهل و نادانی در دعاها و زیارات داخل می کنیم، یا به سلیقه ناقص خود بعض تصرفات می نمایم و آن را کمال فرض می نمایم، بدانیم که همان چیزها پیش اهلش سبب نقصان و بی اعتباری آن دعا یا زیارت خواهد بود. پس شایسته است که ما به هیچ وجه در این باب مداخله نکنیم و هر چه دستور العمل دادند به همان رفتار نسوده و از آن تخطی نماییم.

و دیگر غرضم آن بود که معلوم شود هر گاه نسخه ای که مؤلفش زنده و حاضر و نگهبان او باشد این طور کنند با او، دیگر با سایر نسخ چه خواهند کرد و به کتابهای چایی دیگر چه اعتماد است. ۲۰ وی، پس از هشدار درباره رخنه بدعت و گناه در مجالس تعزیه سیدالشهداء می نویسد:

«سبحان الله، تحمل آن حضرت تمام آن مصائب را به جهت احکام اساس توحید ذات مقدس باری تعالی و اعلاء کلمه حق و اتقان مبانی دین مبین و حفظ آن از تطریق بدعتیهای ملحدین بوده، چگونگی ذی شعوری احتمال دهد آن حضرت سبب شود برای جواز اعظم معاصی و اکبر موبقات که آن ریا و شرک اصغر است. ۲۱»

محدث قمی، به سال ۱۳۳۷ ق در رساله ای که به خواش یکی از دوستان خود نوشته، به شرح، درباره خرافه و روایتهای ساختگی سخن گفته است. وی در این رساله بسیاری از روایتهای رازده در فضائل آیات قرآن و فضائل سوره ها را ساختگی دانسته و به نقل از شهید ثانی نوشته است:

«شهید ثانی درباره حدیث مجعول و جاعلین آنها گفته است: آنها اصنافی بوده اند از همه آنها زیان بارتر، کسانی هستند که به زهد و صلاح به غیر علم منتسب می باشند و پنداشته اند که با این کار خود به خدا تقرب جسته اند، تا دلهای مردم را با ترغیب و تهدید به خدا جذب کنند. مردم هم احادیث مجعول آنها را با اعتماد به ایشان پذیرفته اند... از جمله اخبار مجعول، چیزی است که از ابو عصمه نوح بن ابی مریم مروزی، روایت شده که به وی گفتند: چطور تو از عکرمه از ابن عباس در فضائل هر سوره قرآن روایاتی نقل کرده ای، حال آن که اینها در نزد اصحاب عکرمه

نیست؟ ابو عصمه گفت: من دیدم که مردم از قرآن روی بر تافته اند و به فقه ابوحنیفه و مغازی محمد بن اسحق روی آوردند و لذا این احادیث را جعل کرده ام.

و نیز شهید می گوید درباره حدیث طویل در فضائل همه سوره ها، وی از مؤمل بن اسماعیل روایت نموده است که گفت: شیخی در آن جا برای من نقل کرد. من گفتم: که این حدیث را برای تو روایت کرده است. گفت: مردی در مدائن که در قید حیات است. من رفتم نزد او، و او گفت: شیخی که در بصره است. رفتم نزد وی. و او گفت: شیخی که در عبادان است. وقتی به نزد او رفتم، دستم را گرفت و به خانه ای در آورد که قومی از صوفیه در آن جا بودند و شیخی هم در میان آنها بود. او می گفت: این شیخ است که برای من حدیث گفت. گفتم ای شیخ، این حدیث را چه کسی برای تو نقل کرد؟ شیخ گفت: کسی برای من حدیث نگفت، ولی ما دیدیم که مردم از قرآن روی بر تافته اند، این احادیث را برای آنها جعل کردیم تا دل های آنها متوجه قرآن گردد. « ۲۲ »

محدث قمی، در ادامه افزوده همه کسانی چون واحدی و ثعلبی و زمخشری که این روایات را نقل کرده اند، دچار اشتباه شده و از ساختگی بودن آنها بی خبر بوده اند.

د. دنیا طللی: رسیدن به دنیا از دیگر سببها و انگیزه های رواج خرافه است. شماری از واعظان و مداحان برای گرم کردن مجلس و خوش آیند بانیان محافل تعزیه، به نقل قصص خرافی و غلو آمیز می پردازند و مطالب بی اساس را بازگو می کنند و برای سرگرم کردن مردم و رونق مجالس خود، هر رطب و یابسی را به هم می بافند.

محدث قمی در این باره می‌نویسد:

«عده‌ای از راه کارهای عبادی، در پی رسیدن به دنیابند: «یطلبون الدنيا بعمل الاخره»^{۲۳} این حرکات موجب محرومی از ثوابهای عظیمه خواهد شد. و شیطان را عداوتی تمام به انواع انسان است. پس هر عملی که نفعش بیش تر باشد، توجه شیطان به فساد آن عمل زیاده خواهد شد... و هر عمل که موجب فوائد دنیویه شود، نااهلان به آن توجهی تام و هجومی عام عمل خواهند نمود. مانند ذکر مصائب، که یکی از وسائل معاش شده و جهت عبادت کم تر ملحوظ شود، تارفته رفته کار به جانی رسیده که در مجامع علمای مذهب، اکاذیب صریحه ذکر می‌شود و نهی از متکر مبسر نیست و جمله‌ای از ذاکرین مصائب باک از اختراع وقائع میکند ندارند.»^{۲۴}

وی که خود شیفته ائمه بود، منشأ پاره‌ای از کارهای بدعت‌آمیز را، همچون برداشتن خاک از چاه منسوب به صاحب الزمان در سامرا، سودجویی گروهی از مردم بی‌تقوا و حنفی مذهب سامرا می‌دانست که در لباس خادمان آن مکان درآمد بودند و برای انباشتن جیب خود، زوار جاهل را تشویق می‌کردند از کنار حرم خاک و سنگ و ریگ بردارند و در برابر آن، از آنان پول دریافت می‌کردند. و اندک اندک این مکان، متبعی سودآور برای آنان شد:

«[اینان چون] دیدند حرص و رغبت شیعه را به آن محل شریف و غلبه و استیلاء خود را بران غربا و زائران بی‌معین، لهذا از برای کسب غیرطیب خود، سرمایه کردند و برای جلب منافع از ایشان شبکه قرار دادند و به اقسام حيله‌ها از آنها فائده بردند...»^{۲۵}

... سکوت و بی‌تفاوتی عالمان دین: محدث قمی، سکوت و بی‌تفاوتی

کسانی که نباید سکوت می کردند و نباید در برابر امواج سهمگین خرافه و تحریف بی تفاوت می بودند؛ یعنی عالمان دین را از عوامل گسترش خرافات می داند؛ چه وقتی به نظر ایشان خرافه گستران و بدعت گذاران برای گریاندن عوام، چیزهایی را از خود به مراثی می افزایند و در مجالس نقل می کنند و عالمان یا حضور خود در آن مجالس، در حقیقت آنها را تقریر و تأیید می کنند و مداحان از این سکوت، بهره می برند و در مجالس دیگر همان مرثیه را می خوانند و می گویند در فلان مجلس، با حضور فلان عالم، این روضه و مرثیه خوانده شده است. این خود، به گسترش دروغها کمک می کند:

«و این نیست جز از بی اعتنایی اهل علم به حدیث و اخبار و رجوع نکردن به کتب علما و فقهای اهل بیت اطهار و نهی نمودن از امثال این بدع و اضافات و دسّ

وضاعین و تحریف جاهلین و جلو نگرفتن از نااهلان و از تصرفات بی خردان، تا کار به جایی رسیده که دعاها موافق سلیقه ها تلفیق شده و زیارتها و مفرجه ها و صلواتها اختراع شده و مجموعه های بسیار از دعاهای دسّ شده چاپ شده و بچه مفتاحها متولد گشته و کم کم سرایت کرده به سایر کتب رسیده و شایع و رواج گشته، مثلاً کتاب متهی الآمال این احقر را تازه طبع کردند. بعضی از کتاب آن، به سلیقه خود در آن تصرفاتی نموده، از جمله در احوال مالک بن یسر ملعون نوشته:

«از دعای امام حسین (ع) هر دو دست او از کار افتاده بود الحمدلله. در تابستان مانند دو چوب خشک می گردیده الحمدلله. و در زمستان خون از آنها می چکید، الحمدلله. و بر این حال خسران مال بود الحمدلله.

در این دو سطر عبارت، چهار لفظ الحمد لله، کاتب موافق سلیقه خود جزء کرده و نیز در بعضی جاها بعد از اسم جناب زینب، یا ام کلثوم به سلیقه خود لفظ خانم زیاد کرده که زینب خانم و ام کلثوم خانم گفته شود که تجلیل از آن مخدرات شود و حمید بن قحطبه را چون دشمن داشته، به واسطه بدی او حمید بن قحبه نوشته و لکن احتیاط کرده قحطبه را نسخه بدل او نوشته و عبدربه را صلاح دیده عبدالله نوشته شود و زحر بن قیس که به حاء مهمله است در هر کجا بوده به جیم نوشته و ام سلمه را غلط دانسته و تا ممکنش بوده، ام السلمه کرده الی غیر ذلک.

و غرضم از ذکر این مطلب در این جا دو چیز بود: یکی آن که این تصرفاتی را که این شخص کرده، به سلیقه خود این را کمال دانسته و خلافش را ناقص فرض کرده و حال آن که همین چیزی که او کمال دانسته باعث نقصان شده.^{۲۶} وی در جایی دیگر نیز بی توجهی علما به روشن گری درباره خرافه‌ها و کارهای بدعت آمیز و بی تفاوتی آنان در مبارزه با انحرافهای فرهنگی و کنار گذاشتن نهی از منکر را از علل رواج خرافه‌ها در میان عوام الناس برشمرده است.^{۲۷} راه‌های پیشگیری از رواج تحریف و خرافه

شیخ عباس قمی، برای جلوگیری از گسترش خرافه در میان مردم راه نشان می‌دهد. و ریشه‌های تحریف گری را هدف می‌گیرد و به زبان اندرز و نقد هشدار می‌دهد: متاع دنیا ارزش بازی کردن با دین خدا را ندارد و ما نمی‌توانیم برای رسیدن به هدف مقدس از ابزار غیر مشروع استفاده کنیم. وی در این باره از شیخ انصاری نقل کرده است:

«بر فرض که اعانت کند توقف مستحبی یا مباحی بر امری، دلیل بر اباحه او نیست، بلکه لابد باید ملاحظه دلیل حرمت کرد، اگر بود بسیار خوب والا به حکم اصل محکوم به اباحه خواهد شد. به هر صورت، جایز نیست تمسک در اباحه به این که مقدمه امر غیر حرام است.»^{۲۸}

وی به طالبان دانش و خطیبان و راویان سفارش می کرد در سخن گفتن، خدا را در نظر گیرند و گفته شان از پیرایه و غلو و دروغ به دور باشد. اهمیت مطلب ما را از حق و حقیقت دور نسازد. بر همین اساس رهنمودهایی دارد، از جمله:

۱. نقل از کتابهای معتبر.

۲. جلوگیری از راهیابی مطالب دروغ به سخنرانیها و کتابهای مذهبی.

وی پس از یادآوری مفاسد دروغ و این که ائمه اطهار (ع) ما را از تحریف و غلو، بزرگ نمایی و خرافه باز داشته اند، دروغ بستن به ائمه و سخنان و هنر آلود درباره آنان، اسلام و مکتب اهل بیت را در انظار سبک می کند و به دیانت مردم خسارت وارد می آورد و یادآوری این نکته که محدثان و بزرگان دانش، همواره مراقب بودند کوچک ترین دخل و تصرفی در روایات انجام نگیرد و دستهای آلوده، روایتهای اهل بیت را دگرگون نسازند، دین و دیانت و ارواح نشان داده نشود، می نویسد:

«کتب ادعیه شیعه که به مرتبه ای متقن و محکم بوده که غالب آنها که استنساخ می نمودند، خودشان از اهل علم بودند و از روی نسخی که به خط اهل علم و تصحیح شده علما بوده، مقابله و تصحیح می نمودند. و اگر اختلافی بود در حاشیه اش به آن اشاره می کردند. مثلاً در دعای مکارم الاخلاص «وبلّغ بایمانی» در

حاشیه اش اشاره می‌کنند در نسخه ابن اشناس «وَأَبْلَغُ بِإِيمَانِي» است و در روایت ابن شاذان «اللَّهُمَّ أَبْلَغُ إِيْمَانِي» است، یا مثلاً فلان کلمه به خط ابن سکون چنین است و به خط شهید چنین... پس شایسته است که ما به هیچ وجه در این باب مداخله نکنیم و هرچه دستور العمل دادند به همان رفتار نموده و از آن تخطی نماییم... روایت شده در حالِ ثقه جلیل، فقیه مقدم در اصحاب ائمه، علیهم السلام، یونس بن عبدالرحمن که کتابی در اعمال شبانه روز نوشته بود. جناب ابو هاشم جعفری آن کتاب را به نظر مبارک حضرت عسکری، علیه السلام، رسانید. حضرت تمام آن را مطالعه و تصفح فرمود، پس از آن فرمود:

«هَذَا دِينِي وَدِينُ آبَائِي كُلُّهُ وَهُوَ الْحَقُّ كُلُّهُ»

همه این دین من و دین پدران من است و تمامش حق است. ملاحظه کن که ابو هاشم جعفری، با آن که بر کثرت علم و فقاہت و جلالت و دیانت جناب یونس مطلع بوده است، به همین اکتفا نکرده در عمل کردن از روی کتاب او، تا آن که آن را به نظر مبارک امام خود رسانیده.

و نیز روایت شده: از بورق شنجانی هراتی، که مردی معروف به صدق و صلاح و ورع بوده که در سامره خدمت امام حسن عسکری (ع) رسید و کتاب یوم و لیلہ شیخ جلیل القدر فضل بن شاذان نیشابوری را به آن حضرت داد و گفت فدایت شوم می‌خواهم در این کتاب نظر فرمایی و ورق و ورق آن را ملاحظه نمایی.

حضرت فرمود: «هَذَا صَحِيحٌ يَنْبَغِي أَنْ تَعْمَلَ بِهِ.»^{۲۹}

این کتاب صحیح است و شایسته است که به آن عمل نمایی.

الی غیر ذلک و این احقر، با این که می دانستم مذاق مردم این زمان و عدم اهتمام ایشان را در امثال این امور، برای اتمام حجت سعی و کوشش بسیار کردم که دعاها و زیارات منقوله در این کتاب، حتی الامکان، از نسخه های اصل نقل شود و بر نسخه متعدده عرضه شود و به قدری که از عهده برآیم، تصحیح آن نمایم، تا عامل به آن از روی اطمینان عمل نماید، ان شاء الله. به شرط آن که کاتبین و ناسخین، تصرف در آن ننمایند و خواننده ها اختراع و سلیقه های خود را کنار گذارند.

شیخ کلینی، رضی الله عنه، از عبدالرحیم قصیر نقل کرده که: خدمت حضرت صادق (ع) رسید و عرض کرد فدایت شوم من از پیش خود دعایی اختراع کرده ام. حضرت فرمود: بگذار مرا از اختراع خود؛ یعنی آن را کنار گذار و برای من نقل مکن.

و نگذاشت که آن دعای جمع کرده خود را نقل کند و خود حضرت برای او دستور العملی لطف فرمود.^{۳۰}

و شیخ صدوق، عطر الله مرقده، روایت کرده از عبدالله بن سنان که گفت: حضرت صادق، علیه السلام، فرمود که:

«زود است می رسد به شما شبهه پس می مانید بدون نشانه و راهنما و پیشروی هدایت کننده و نجات نمی یابد در آن شبهه مگر کسی که بخواند دعای غریق را.»

گفتم چگونه است دعای غریق؟

فرمود:

«می گویی یا الله یا رحمان یا رحیم یا مُقَلِّبِ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي

علی دینک. «

پس گفتم: «یا مُقَلِّبِ الْقُلُوبِ وَالْإِبْصَارِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَي دِينِكَ.»

حضرت فرمود:

«به درستی که خداوند عز و جل مقلب است قلوب و ابصار را،

لکن بگو چنان که من می‌گویم یا مُقَلِّبِ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَي

دینک» کافی است.^{۳۱}

تأمل در این دو حدیث شریف برای تنبیه کسانی که در دعاها به

سلیقه خود بعضی کلمات را زیاد می‌کنند و پاره‌ای تصرفات

می‌نمایند وَاللَّهِ الْعَاصِمُ.^{۳۲}

۳. مبارزه دقیق و عالمانه با خرافه و تحریف: از راه‌های مهار خرافه، مبارزه

پیوسته و گسترده عالمان دین، با آن است. محدث قمی، از محمدابراهیم

کلباسی (م- ۱۲۶۱) از عالمان بزرگ و از شاگردان وحید بهبهانی،^{۳۳} یاد

می‌کند که در این عرصه نقش می‌آفریده و با خرافه و تحریف مبارزه می‌کرده و

بر این عقیده بوده که به روایات به هیچ روی نباید ناخالصیها راه یابند. و این

دغدغه را داشت که مباد دین مملعه اغراض قرار بگیرد:

«چنانچه در شفاء الصدور^{۳۴} است که وقتی یکی از فضیلابی

بادیانته اهل منبر در محضر آن جناب گفت در ذیل قصه‌ای که

سیدالشهداء(ع) فرمود: یا زینب یا زینب.

آن فقیه ورع، بی‌محابا در ملاءعام به آواز بلند فرمود: خدا دهن

را بشکند، امام دو دفعه یا زینب نفرمود، بلکه یک دفعه فرمود.

اینک سلسله جلیله اهل منبر حال خود را در این باب ملاحظه

کنند و از مفاسد کذب، فی الجمله آگاه شوند و مطالب دروغ و

روایت مجعوله را ترک کنند، بلکه نقل نکنند هرچه دیده یا

شنیده‌اند و اقتصار کنند بر مطالبی که قائل آن نقه باشد. ۳۵۰

محدث قمی در لابه لای نوشته‌های خود، به افشای وارونه‌نمایی‌های موجود در پاره‌ای از کتابها پرداخته و حقائق را بی نقاب شرح کرده است، از جمله: کتابی را که به نام مقتل ابی مخنف، در دسترس مردم است، مورد نقد و ارزیابی دقیق قرار می‌دهد و می‌نویسد:

«مخفی نماند که ابو مخنف لوط بن یحیی ازدی، از بزرگان محدثین و معتمد ارباب سیر و تواریخ است و مقتل او در نهایت اعتبار، چنان‌که از نقل اعظام علمای قدیم از آن و از سائر مؤلفاتش معلوم می‌شود و لکن افسوس و آه که اصل مقتل بی‌عیب او، در دست نیست و این مقتل موجود و منسوب به او، مشتمل است بر بعضی از مطالب منکره که باید اعدای و جهال آن را به جهت پاره‌ای از اغراض فاسده در آن کتاب نقل کرده باشند و از این جهت، از درجه اعتبار افتاده و بر مفردات آن هیچ وثوقی نیست، لکن آنچه در باب سیر اهل بیت از کوفه و شام از فضاییای عدیده نقل کرده... نشود گفت تمام آن از دس و ضاعین باشد.» ۳۶

یا درباره کتاب منتخب طریحی و کتاب نورالعین، نظر منفی دارد و این دو را غیر معتبر و از آثاری می‌داند که حال آنها برای اهل فن معلوم است. ۳۷

اما روشنگریهای او درباره رویداد حماسی کربلا و دیگر رویدادها و قطعه‌های تاریخی، درس آموز است و جای درنگ دارد. بایسته است واعظان، طلاب و مردمان متدین و علاقه‌مند به آگاهی از واقعیت و گزارش دقیق از رویدادهای تاریخی و واقعه عاشورا، به دقتها و روشکافیها و روشنگریهای این محدث بزرگوار اهمیت بدهند، تا گرفتار دام دروغ پردازان نشوند:

۱. عروسی قاسم، دروغ و ساخته افسانه بافان:

«مخفی نماند که قصه دامادی جناب قاسم (ع) در کربلا و تزویج او فاطمه بنت‌الحسین (ع) را صحت ندارد؛ چه آن‌که در کتب معتبره به نظر نرسیده و به علاوه آن‌که حضرت حسین (ع) را دو دختر بوده، چنانکه در کتب معتبره ذکر شده، یکی سکینه که شیخ طبرسی فرموده: سیدالشهداء او را تزویج عبدالله کرده و پیش از آن‌که زفاف حاصل شود، عبدالله شهید گردید و دیگر فاطمه که زوجه حسن منی بوده که در کربلا، حاضر بود. ۳۸»

۲. دروغ بودن روایت مسلم جصاص در حمل اسرای کربلا بر محامل و هودج و خون آلود شدن سر حضرت زینب بر اثر زدن به ستون محمل:

«ذکر محامل و هودج در غیر خبر مسلم جصاص نیست و این خبر را گرچه علامه ملجسی نقل کرده، لکن مأخذ آن منتخب طریحی و کتاب نورالعین است که حال هر دو کتاب بر اهل فن پوشیده نیست و نسبت به شکستن سر جناب زینب، سلام الله علیها، اشعار معروفه نیز بعید است از آن مخدره که عقیده هاشمیین و عالمه غیر معلمه و رضیعه ندی نبوت و صاحب مقام رضا و تسلیم است. آن‌چه در مقاتل معتبر معلوم می‌شود، حمل ایشان بر شتران بوده که جهاز ایشان، پلاس و روپوش نداشته، بلکه در ورود ایشان به کوفه موافق روایت حذلم بن ستیر که شیخان: شیخ مفید و شیخ طوسی، نقل کرده‌اند، به حالتی بوده که محصور میان لشکریان بوده‌اند. چون خوف فتنه و شورش مردم کوفه بوده، چه در کوفه شیعه بسیار بوده و زنهایی که خارج شهر آمده بودند، گریبان چاک زده و موها پریشان کرده بودند. ۳۹»

۳. خاموش شدن زنگها، در هنگام سخنرانی حضرت زینب، نه کرامت که امر طبیعی:

«چون مردم دیدند که جناب زینب، سلام الله علیها، اشاره به سکوت کرده خواست تکلم نماید، سکوت اختیار کردند و از رفتن توقف نمودند، تا گوش دهند چه می فرماید. و چون مردم از رفتن باز ایستادند، لاجرم زنگها از صدا افتاد. و اما بیانات وارده بعضی از اهل خبر که این را یکی از کرامات جناب زینب شمرده اند، از اجتهادات است و از برای جلالت قدر آن مخدیره محتاج به نقل این کرامتها نیست.»^{۲۰}

۴. رد آن چه مشهور شده به نام حدیث کساء:

«از توصیف جابر، حضرت امام حسین (ع) را به خامس اصحاب کساء معلوم می شود که این لقب از القاب معروفه آن حضرت بوده و حدیث اجتماع خمسه طیبه (ع) تحت کساء، از احادیث متواتره است که علمای شیعه و سنی روایت کرده اند، و در احادیث، آیه تطهیر بعد از اجتماع ایشان نازل شده و هم در احادیث مباحله نیز، به کثرت وارد است و شاید سر جمع نمودن حضرت رسول اکرم (ص) انوار طیبه اهل بیت مکرم را تحت کساء برای رفع شبهه باشد که کسی نتواند ادعای شمول آیه برای غیر مجتمعین تحت کساء نماید. اگر چه جمعی از معاندین عامه تممیم دادند، ولی اغراض فاسده آنها از بیانات وارده آنها واضح و هویداست.»

و اما حدیث معروف به حدیث کساء که در زمان ما شایع است، به این کیفیت در کتب معتبره معروفه و اصول حدیث و مجامع

متفکرانه محدثین دیده نشده و می‌توان گفت از خصائص کتاب
منتخب است. ۴۱

۵. رد آمدن شیر به بالین شهدای کربلا:
نقل است که روزی از ایام محرم در خانه جناب آقا سید ابراهیم^{۴۲}
صاحب ضوابط مجلسی برپا بود، [آخوند] ملاحسن^{۴۳} یزدی
(۱۲۴۵) نیز حاضر بود و پهلوی سید نشسته بود. پس یکی از
ذاکرین در منبر، قصه آمدن شیر را بر سر اجساد شهدا بیان کرد و
این که آن شیر امیرالمؤمنین بوده که به هیأت اسد به قتلگاه حاضر
شده بود. چون ذاکر از منبر فرود آمد، آخوند او را نزد خویش
طلیید و با وی فرمود: این خبر را که بر بالای منبر خواندی دروغ
است. امیرالمؤمنین (ع) به صورت شیر در نمی‌آید و بعد از این،
چنین خبری را بالای منبر ذکر مکن و از گفته امروز هم نوبه کن.
آن ذاکر صیغه توبه جاری ساخت و جناب سید ابراهیم استماع
می‌فرمود و در این باب چیزی تکلم نفرمود. ۴۴

۶. رد نسبت‌های ناروا درباره سرداب به شیعه:
از دیرباز، ناآگاهان و یا بدخواهان برای بدبین کردن اهل قبله به مکتب
اهل بیت، با نسبت‌های ناروا بر آن بوده‌اند که این مکتب را مکتبی خرافی جلوه
دهند و در میان مردم چنین رواج دهند که شیعیان بر یک مسائل خرافی باور
دارند. از آن جمله بر این باورند که امام زمان در سرداب غیبت، زندگی کرده و
از همان جا ظهور می‌کند.

محدث قمی در نوشته‌های خود تأکید دارد این نسبت دور از حقیقت است
و آنچه شیعه بدان باور دارد از این فرار است:
«این سرداب شریف در السنه و در کتب مزار جمله‌ای از متأخرین

معروف است به سرداب غیبت و در کتب مختصه و ابواب متعلقه به حالات شریفه حضرت صاحب الامر، صلوات الله علیه، وجهی از برای آن یافت نشده و سببی برای نامیدن آن به این اسم معلوم نگشته. بلی کافه علما اهل سنت به معاشر امامیه در کتب خود نسبت می دهند که ایشان معتقدند: حضرت صاحب الامر (ع) در کودکی داخل آن سرداب شد و مادرش نرجس خاتون ایستاده و نگاه می کرد، تا از نظرش غائب شد. و مقام آن حضرت تاکنون در آن جاست و احدی در طول این مدت آن جناب را ندیده و در آن جا باقی است، تا از آن جا بیرون آید و دنیا را پر از عدل و داد گرداند.

و شیخ ما علامه نوری، طاب ثراه، در چند سال قبل در رساله کشف الاستار، که در جواب ابن آکوسی بغدادی است، بر اصل ولادت حضرت حجة بن حسن (ع) مکشوف داشته که تمام آن چه نسبت می دهند به ما در این مقام، افتراست و در کتب ما اثری از هیچ یک از اینها نیست هر کس خواست به آن کتاب شریف رجوع نماید. ۴۵۸

۷. نادرست بودن قبر منسوب به مختار در مسجد کوفه:

تشیخ مرحوم، علامه نوری فرمودند که زمانی مبلغی پول، قریب به چهار صد تومان، بعضی از خوانین قاجاریه از طهران نزد مرحوم خلدآشبیان فقیه عصر و علامه دهر، شیخ عبدالحسین طهرانی، طاب ثراه، فرستاد به جهت تعمیر قبر مختار. نوشتند قبر مختار معلوم نیست، مصرف دیگر شود. در جواب اصرار

بلیغ کرد که باید در همین محل مصرف شود. شیخ مرحوم در مقام تفحص برآمدند حقیقیر هم در خدمت ایشان بودم غیر از عبارت ابن نما^{۴۶} چیزی به دست نیامد، اعراض فرمودند. ^{۴۷}
 ۸. نادرست بودن خانه منسوب به حضرت امیرالمؤمنین در کنار مسجد کوفه:

«و بدان در پشت مسجد کوفه موضعی است که قبه کاشی برای اوست و مشهور است به خانه امیرالمؤمنین و شیخ مرحوم اصرار بلیغی داشت بر فساد این شهرت و می‌فرمود که تا حال در هیچ کتابی دیده نشده و عالمی نگفته و سندی هر چند ضعیف باشد برای این نسبت، یعنی نسبت آن مقام به حضرت امیر(ع) ذکر نشده تا نماز و دعا در آن دارای ثواب باشد. ^{۴۸}»

۹. چاه صاحب الزمان در سامراء ساخته گروهی سودجو:

در سامرا چاهی وجود دارد، که به چاه صاحب الزمان مشهور است و زوار در آن به نام حضرت نامه می‌افکنند. به تقلید از چاه سامراء، در برخی از نواحی دیگر نیز، مانند مسجد جمکران قم نیز چاهی حفر شده و شماری در کنار آن به فروختن نامه‌های از پیش نوشته مشغول و مردم را تشویق می‌کنند که نامه‌های چاپ شده به وسیله آنان را در آن چاه افکنند.

محدث قمی در تحقیقی جامع این را به دست داده که چاه منسوب به صاحب الزمان در سامراء، نوظهور است و در گذشته وجود نداشته و افراد سودجو در دوره حکومت عثمانی برای سرکیسه کردن زوار شیعه آن را به وجود آورده‌اند:

«در میان صفا و سرداب مقدس شباکی است با دری از چوب ساج که آن را به امر ناصر بالله عباسی در سال ۶۱۲ ساخته‌اند. چنان‌که صورت آن با بعضی از آیات شریفه در آن کتیبه مرقوم است و آن چه از مشایخ دست به دست به ما رسیده آن است که

این صغه محل حوضی بوده به جهت وضو گرفتن آن بزرگواران در آن سرداب و پس از آن بزرگواران، عرائص و رقاع حاجات که شیعیان به حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه، می‌نوشتند و به آن جا می‌گذاشتند و هر وقت صلاح بود جواب عریضه از آن جا یا از خارج به صاحبش می‌رسید. و به ملاحظه این سیرت و عادات در طرف راست، در وسط شباک سوراخی به قدر آن که دست در میان آن برود و رقعہ بیندازند گذاشتند، ولی در طرف دیگر، نظیر آن نیست. و هر کس تأمل کند می‌داند که این سوراخ ساخته برای همین کار بود و آن محل در میان همه آن سرداب امتیازی پیدا کرد در تبرک و شرافت و احترام و بوسیدن و استشفای به تربت، تا آن که صحن و راه سرداب مقدس از آن صحن جدا شد و از غیر جنس [غیر شیعه] برای آن خدمه پیدا شد و دیدند حرص و رغبت شیعه را به آن محل شریف و غلبه و استیلای خورد را بر آن غربا و زوار بی‌معین، لذا برای کسب غیرطیب خورد سرمایه کردند و برای جلب منافع از ایشان، آن شبکه را قرار دادند و به اقدام حیلہ‌ها از آن فایده بردند و کم کم به دادن ریگ و خاک آن، به آن بیچارگان و گرفتن چیزی، مقداری از آن جا گود شد تا زمانی که شیخ العراقین مرحوم شیخ عبدالحسین طهرانی، طاب ثراه، به جهت تذهیب گنبد مطهر و اصلاح صحن منور به آن جا مشرف شد. پس از مشاهده آن خرابی و زیاد شدن آن در هر روز و خوف صدمه رسیدن به اساس عمارت، مقرر فرمودند آن جا را پر کردند تا به مقدار دو پله بالا مانده و آن را با آجر و گچ

محکم نمودند. پس از وفات آن مرحوم، چون در سرمایه آن جماعت به جهت بنائی خللی پیدا شد، دوباره آن بنا را خراب کردند و به دادن ریگ و سنگ آن جا به آن جهال زوار و بردن عوام را در آن جا به اسم تبرک بازار کسب خود را رونقی دادند و کم کم به منزله چاهی شد و اسم آن را چاه صاحب الزمان گذاشتند و جزو مناسک زوار شد که چون به آن جا روند از چاه صاحب الزمان سؤال کنند و به انواع بی ادبی و جسارت خود را در میان چاه افکنند و مفداری ریگ بردارند و تمام این حرکات بی اصل و بی پایه و خلاف ادب و احترام، بلکه در بعضی مواضع شبیه حرمت دارد.^{۴۹}

۱۰. رد ماثور بودن دعای عدیله؛ محدث نوری پس از ذکر دعای عدیله می نویسد: «اما این که این دعا ماثور است و یا از منشآت علماست؟ خیریت صنعت علم حدیث و روایت و جامع شمل اخبار ائمه (ع) عالم متبحر خبیر و محدث ناقد بصیر شیخنا الاکرم... میرزا حسین نوری، نورالله مرقده، فرمود: «اما الدعای العدیلة المعروفة فهو من مؤلفات بعض اهل العلم لیس بماثور ولا موجود فی کتب حملة الحدیث و نقادها» دعای معروف به عدیله از مؤلفات برخی از اهل دانش است و در متون دینی موجود نیست و در کتابهای راویان حدیث و ناقدان آن نشانه‌ای از آن دیده نشده است.^{۵۰}

محدث قمی، بارها، پاره‌ای از مطالب خرافاتی و بی اساس درج شده در

کتابهای تاریخی را ذکر و از زبان استادان خود، آنها را نقد کرده است. بدین معنی که از استادان بزرگوار برای خرافه زدائی از موضوعات تاریخی استفاده می‌برد. در این باره از استادش محدث نوری و شیخ عبدالحسین تهرانی بسیار استفاده کرده است که یادآور شدیم و نیز پس از نقل و نقد گزارش لؤلؤ البحرین، از زبان استادش محدث نوری درباره سید بن طاووس می‌نویسد:

«شگفت از این بزرگان است که به مجرد دیدن نوشته‌ای چگونه بدون تأمل و تحقیق امثال این دروغ‌ها را در کتابهای خود می‌گنجانند. ۵۱»

دغدغه محدث قمی از راهیابی خرافه و تحریف به آثارش

محدث قمی، از راهیابی و رخنه تحریف و خرافه بر کتابهای خویش اندیشناک بود و دغدغه آن را داشت که همان بلایی که بر سر مفتاح الجنان آمده بر سر کتاب مفاتیح الجنان نیز بیاید؛ از این رو، در آغاز ملحقات مفاتیح الجنان هشدار می‌دهد:

«این گنه کار روسیاه عباس قمی، عفی الله عنه، بعد از آن که به عون الله تعالی کتاب مفاتیح الجنان را تألیف نمودم و در اقطار منتشر گشت، به خاطر رسید که در طبع دوم آن، بر آن زیاد کنم دعای وداعی برای ماه رمضان و خطبه روز عید فطر و زیارت جامعه ائمة المؤمنین و دعای اللهم انی زرت هذا الامام که در عقب زیارات خوانده می‌شود و زیارت وداعی که هر یک از ائمه (ع) را به آن وداع کنند و رقعته‌ای که برای حاجت می‌نویسند و دعایی که در غیبت امام عصر، عجل الله فرجه،

باید خواننده شود و آداب زیارت به نیابت، به واسطه کثرت حاجت به اینها و لکن دیدم هرگاه این کار را کنم، فتح بابی شود برای تصرف در کتاب مفاتیح و بسا شود بعضی از فضولان بعد از این، در آن کتاب بعضی از ادعیه دیگر بیفزایند، یا از آن کم کنند و به اسم مفاتیح الجنان در میان مردم رواج دهند؛ چنانکه در مفتاح الجنان مشاهده می‌شود لاجرم کتاب را به همان حال خود گذاشتم و این هشت مطلب را بعد از تمام شدن مفاتیح، ملحق به آن نمودم و به لعنت خداوند قهار و نفرین رسول خدا (ص) و ائمه اطهار (ع) واگذار و حواله نمودم کسی را که در مفاتیح تصرف کند. ۵۲۴

وصیتی جامع از محدث قمی

محدث قمی در این باره به اهل منبر و واعظان وصیتی جامع دارد که واعظان را در عمل به رسالت خود نزدیک ساخته و آنان را از وادی غلو و خرافه و وهم و خیال پردازی و بازار گرمی دور داشته است:

«پس شایسته است که شیعیان، عموماً و ذاکرین خصوصاً، ملتفت شده در این سوگواری و عزاداری بر وجهی سلوک کنند که زبان نواصب دراز نشود و اقتصار بر واجبات و مستحبات کرده از استعمال محرمات، از قبیل غناء، که غالباً نوحه‌های لطمه از آن خجالی نیست و از اکاذیب مفتعله و حکایات ضعیفه مظنونه الکذب که در جمله‌ای از کتب غیر معتبره، بلکه نقل از کتبی که مصنف آنها از متدینین اهل علم و حدیث نیست، احتراز نمایند و

شیطان را در این عبادت بزرگ، که اعظم شعائر الله است، راه ندهند و از معاصی کثیره، که روح عبادت را می برد بپرهیزند، خصوصاً ریا و کذب و غنا که در این عمل ساری و جاری شده و کم تر کسی از او مصرون است...

چقدر شایسته و لازم است سلسله جلیله اهل منبر و ذکر این مصیبت سید مظلومان، که دامن همت بر کمر زدند و علم تعظیم شعائر الله را بر دوش کشیدند و برای تنظیم این مشعر عظیم نفوس خویش را میدل داشتند، ملتفت باشند که این عبادت، مانند سایر عبادات است و این عمل، آن گاه عبادت شود که در هنگام به جای آوردن، جز رضای خداوند و خوشنودی رسول خدا و اتمه هدی، صلوات الله علیهم اجمعین، غرض و مقصدی در نظر نباشد و از مفاسدی که بر این کار بزرگ طاری و ساری شده حذر باشند که مبادا، العیاذ بالله، اقدام کند در این عبادت عظیم برای تحصیل مال و یا جاه و یا مبتلا شود به دروغ گفتن و افتراء بستن بر خدای تعالی و حجج طاهره و علمای اعلام و غنا خواندن و اطفال امارد [بی ریش] را با الحان فسوق، پیش از خود به خوانندگی واداشتن و بی اذن، بلکه با نهی صریح به خانه مردم در آمدن و بر منبر بالا رفتن و آزرده حاضرین در نکردن گریه، به کلمات بلیغه، ترویج باطل در وقت دعا، و قبل از آمدن و مدح کسانی که مستحق مدح نیستند و اهانت به بزرگان دین، و افشای اسرار آل محمد (ص) و برانگیختن فتنه و اعانت ظلمه و مغرور کردن مجرمین و متجری کردن فاسقین و کوچک کردن معاصی را در نظر و خلط کردن

حدیثی به حدیث دیگر، به طور تدلیس و تفسیر آیات شریفه را به آرای کاسده و نقل اخبار، به معانی باطله فاسده. و فتوی دادن با نداشتن اهلیت آنچه به حق یا به خلاف آن و تنقیص انبیای عظام و اوصیای کرام(ع) به جهت بزرگ کردن و بلند نمودن مقامات انمه(ع) و متوسل شدن برای زینت دادن کلام و رونق گرفتن مجلس، به سخنان کفره و حکایت مضحکه و اشعار فجره و فسقه در مطالب منکره و تصحیح کردن اشعار دروغ مرانی را به عنوان زبان حال و ذکر کردن شبهات در مسائل اصول دین، بی بیان رفع آن و یا نداشتن قوه آن و خراب کردن پایه اصول دین ضعفاء مسلمین و ذکر آن چه منافی عصمت و طهارت اهل بیت نبوت است و طول دادن سخن به جهت اغراض کثیره فاسده و محروم کردن حاضرین از اوقات فضیلت نماز و امثال این مفاسد که لاتعد و لاتحصی است و نیز در حذر باشد که مبادا، العیاذ باللّه، داخل شود در زمره آنان که مقدمات و عظم را پیش گرفته و گاهی خطب بلیغ امیرالمؤمنین و مواعظ شافیه و رفتار و کردار آن حضرت را ذکر کرده و مردم را از محنت دنیا و آفات آن بترسانند و بر بغض دنیا و زهد در آن ترغیب و تحریص نمایند و به حالت پیشوایان دین و خواص اصحاب و علمای راشدین استشهاد کنند و گاهی از احوال نفس و صفات آن از خوف و رجاء و توکل و رضا و از رذائل خبیثه و صفات قبیحه و غیرها سخن گویند... و حال آن که در آن صفات از پایه ادنی عامی ترقی نموده است...»^{۵۳}

پی نوشتها:

۱. محدث قمی، در زمینه های گوناگون علوم اسلامی، نوشته های نفیسی از خود به جای گذارده است. از جمله کارهای با ارزش ایشان ترجمه کتابهای زیر است: ترجمه جلد ۱۱ بحار، ترجمه عروه الوثقی سید کاظم یزدی، ترجمه نزهة الناظر، ترجمه مصباح المتعجب شیخ طوسی، ترجمه جمال الاسبوع سید بن طاووس و انزون بر اینها، ارائه خلاصه حق الیقین علامه مجلسی، به نام علم الیقین، خلاصه معراج السعاده ملا احمد نراقی.

۲. کمیته مجازات، تشکیلاتی مخوف بود که در سالهای پس از مشروطه، به وسیله افرادی تندرو به داعیه مبارزه با فساد تشکیل شد، ولی در واقع دستهای پنهان و آکرده و وابسته به انگلیس کارگردانی آن را به عهده داشتند.

از کسانی چون عماد الکتاب (از عمال سفارت انگلیس) ابوالفتح زاده و رشید السلطان، به عنوان اعضای آن یاد شده است.

کسانی چون سید عبدالله بهبهانی، سید محسن صدرالعلماء، صنیع الدوله و... به وسیله این کمیته ترور شدند.

کریم دوانگر (ضارب شیخ فضل الله نوری) حسین لله و رشید السلطان و احسان الله خان، مجری دستورات این کمیته مخفی بودند. این دو در سال ۱۳۳۵ ق. به دستور وثوق الدوله به دار آویخته شدند. شواهد نشان می دهد مقصود اصلی این کمیته آشفته کردن شرائط برای کودتای رضاخان بوده است.

تاریخ معاصر ایران، کتاب اول/ ۱۴۱- ۱۵۳؛

شرح حال رجال سیاسی ایران، باقر عاقلی، ج ۳/ ۱۶۹۸.

۳. مفاخر اسلام، علی دوانی، ج ۱۱، بخش یکم/ ۳۴۴، ۳۵۰.

۴. فوائد الرضویه، شیخ عباس قمی، ج ۱/ ۳۷۹.

۵. همان، ج ۲/ ۳۹۹.

۶. همان/۶۵.
۷. نقباء البشر، آقابزرگ تهرانی، ج ۳/۹۹۹، دارالمرتضی مشهد، ۱۴۰۴ ق.
۸. مفاخر اسلام، ج ۱۱/۲۱۳، چاپ دوم، ۱۳۷۹ ش.
۹. مصباح المتهجد، تألیف شیخ طوسی.
۱۰. اقبال الاعمال، مهج الدعوات، جمال الاسبوع و مصباح الزائر تألیف سیدین طاروس.
۱۱. بلد الامین و کتاب جنة الامان الواقیه معروف به مصباح، تألیف شیخ تقی الدین کفعمی عاملی، م: ۱۹۰۵.
۱۲. مقیاس المصاییح، ربیع الاسبیح، تحفه الزائر و زاد المعاد تألیف علامه مجلسی.
۱۳. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی/۷۱۰، انتشارات فاطمه الزهراء، قم، ۱۳۷۷.
۱۴. هدیه الزائرین، شیخ عباس قمی/۱۱۰، سبئین.
۱۵. منتهی الامال/۵۶۷.
۱۶. همان/۵۷۰.
۱۷. مفاتیح الجنان/۷۱۱، شرکت تعاونی ناشران قم، بی تا.
۱۸. هدیه الزائرین/۹۸.
۱۹. کامل الزیارات/۱۰۵.
۲۰. مفاتیح الجنان/۷۱۲.
۲۱. منتهی الامال، ج ۱/۵۶۴.
۲۲. مفاخر اسلام، ج ۱۱، بخش اول/۲۱۴.
۲۳. احتجاج، طبرسی، ج ۱/۲۴۶.
۲۴. منتهی الامال، ج ۱/۵۷۰.
۲۵. هدیه الزائرین/۹۸.
۲۶. مفاتیح الجنان/۷۰۹.

۲۷. هدیه الزائرین/ ۹۸.

۲۸. منتهی الامال، ج ۱/ ۵۶۸.

۲۹. وسائل الشیعه، ج ۲۷/ ۱۰۰، آل البیت.

۳۰. کافی، ج ۳/ ۴۷۶.

۳۱. بحار الانوار، ج ۵۲/ ۱۴۸؛ اعلام الوری/ ۴۳۲.

۳۲. مفاتیح الجنان.

۳۳. کرام البرره، آقابزرگ تهرانی، ج ۱/ ۱۴.

۳۴. تألیف میرزا ابوالفضل تهرانی معروف به کلانتر. از شاگردان میرزای شیرازی و از

استادان برجسته مدارس تهران در دوره قاجار و معاصر با میرزای آشتیانی.

۳۵. منتهی الامال، ج ۱/ ۵۶۷. کتابفروشی علمی.

۳۶. همان/ ۵۵.

۳۷. همان/ ۴۹۳.

۳۸. همان/ ۴۵۸.

۳۹. همان/ ۴۹۳.

۴۰. همان/ ۴۹۴.

۴۱. منتهی الامال، ج ۱/ ۸۲، هجرت، قم. شگفت آن که با این تصریح صریح

محدث قمی بسیاری از ناشران، این حدیث را در جمله دعاها و زیارت‌های مفاتیح

آورده و همگان گمان می‌برند کار مؤلف است.

۴۲. صاحب ضوابط از علمای سده ۱۳ هجری و از شاگردان شریف العلماء بود. گفته

شده هفتصد تا هزار نفر در درسش شرکت می‌کردند. ضوابط الاصول از کتابهای

مشهور وی است که اغلب تقریرات استادش شریف العلماء است.

ریحانه الادب، ج ۳/ ۳۷۶.

۴۳. برای آگاهی از شرح حال این عالم خرافه‌ستیز و مجاهد و از شاگردان سید محمد

- طباطبایی ر. ک: کرام البرره، ج ۱/ ۳۴۶؛ الذریعة، ج ۲۳/ ۲۹۹؛ ریحانة
الادب، ج ۳/ ۴۰۲؛ مکارم الآثار، ج ۴/ ۶۱۸۴.
۴۴. فوائد الرضویه، ج ۱/ ۲۲۲.
۴۵. هدیه الزائرین و بهجه الناظرین، شیخ عباس قمی/ ۹۷، موسسه جهانی سبطين،
قم، ۱۳۸۳ ش.
۴۶. ابن نمای حلی (م: ۶۴۵) و مؤلف مثير الاحزان.
۴۷. هدیه الزائرین/ ۲۷۸.
۴۸. همان/ ۲۸۵.
۴۹. همان/ ۹۸.
۵۰. مفاتیح الجنان/ ۱۴۲.
۵۱. فوائد الرضویه، ج ۱/ ۲۲۲.
۵۲. مفاتیح الجنان/ ۹۴۵.
۵۳. منتهی الامال، ج ۱/ ۵۷۱.



کتابخانه علم اسلامی و مطالعات فرهنگی
مرکز جامع علوم انسانی قم